

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ناتور رحمانی

۱۱ اکتوبر ۲۰۱۲

بیگانه

من نمیدانم تو که هستی ؟
زبان ترا نمی فهمم
و هجای نامانوس ترا در ترکیب کلمات
برای من همانقدر بیگانه ای
که واژه ای بیگانه را مفهومی ویژه می بخشی
از دالان نسترن می آئی
و از فصل ارغوان ها
از بوی خوش کوچه باغها حرف میزنی
و در دستت شاخه های میخک است
گریبانت را میگشائی
بوی پونه زاران
ورایحه ای شبدرهای تازه می آید
کفش هایت همزاد شقایق های وحشی است
وبر موهایت گرد مهتاب پاشیده
از بهار ، طراوت ، عطر و زیبایی سخن میزنی
این واژه ها برای من نا مفهوم است
من از بیابان های سوزان می آیم
از پیکرم دوزخی ترین گرما بر میخیزد
دست هایم نشان از خار های صحرا دارند
بر موهایم گرد ویرانه ها نشسته
آخرین پاره کفشم را در آخرین وادی سر راه

دور انداختم
من پا برهنه و بی گریبانم
من خار ، بیابان ، گرما و گرسنگی را میشناسم
و وحشت جنگ را
دماغ من انباشته از بوی باروت است
و حافظه ام پُر از مرگ جوان ترین جوانه ها
من چنینم
اگر داشته ها و احساس مان باهم بیگانه اند
صدا و سیمای ماهم برای همدیگر بیگانه خواهد بود .